نقد زبان و ادبیات خارجی
Critical Language & Literary Studies

« ۱۲۷ - ۱۱۱ »

اسطوره‌سنجی نزد ژیلبر دوران
مورد کاربردی آثار خاویر دو مستر

دکتر بهمن نامور مطلق[۱]

چکیده

روشهای نقد اسطوره ای در ایران بسیار ناشناخته باقی مانده اند و در این خصوص به جز چند روش معروف همچون سرنمونی یونگی، یا تک اسطوره ای کمبلی، یا نقد اسطوره ای فرای که کم و بیش شناخته شده اند، دیگر روشها، به ویژه روشهای اصلی در عرصه‌ی ادبیات و هنر همچون اسطوره سنجی؛ اسطوره کاوی؛ و بوطیقای اسطوره ای، هنوز با وجود گذشت سالها از ارائه‌ی آنها در ایران کم شناخته بلکه ناشناخته باقی مانده اند. این مقاله در نظر دارد یکی از مهمترین این روشها یعنی اسطوره سنجی را مورد بررسی قرار داده و تا آن‌جایی که نویسنده‌ی این نوشتار سراغ دارد، برای نخستین بار به مخاطبان ایرانی معرفی نماید. این روش را ژیلبر دوران در سالهای پس از دهه هفتاد ارائه کرد و دیگر محققان آن را گسترش دادند. مقاله حاضر از دو جهت می تواند حائز اهمیت باشد : نخست اینکه به معرفی یکی از مهمترین روشهای نقد اسطوره ای که هنوز هم رایج است می پردازد و دیگر اینکه بستر آشنایی با دیگر نقدهای اسطوره ای به ویژه نقدهای پسین را نیز مهیا می نماید. برای این منظور کوشش می شود چگونگی تکوین این نقد نزد بانی آن مورد مطالعه تحلیلی قرار گیرد.

کلید واژه ها : اسطوره سنجی، مطالعات اسطوره ای، ژیلبر دوران، خاویر دو مستر.

دوره اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی
bnmotlagh@yahoo.fr

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

بررسی نمونه‌ای از کاربردهای اسطوره‌سنجی توسط خود ژیلبر دوران می‌تواند بسیار مفید و روشنگر باشد. این نمونه کاربردی نه فقط چگونگی به کارگیری اسطوره‌سنجی و مراحل گوناگون آن را نزد بانی اسطوره‌سنجی مشخص می‌کند، بلکه می‌تواند در یک مطالعه‌ی تطبیقی با سایر روشهای نقد به ویژه انواع نقدهای اسطوره‌ای و به خصوص با سایر شیوه‌های اسطوره‌سنجی که توسط دیگر محققان صورت پذیرفته نیز تعیین کننده و اساسی باشد. بدین منظور، مهم‌ترین، معروف‌ترین و نخستین کاربرد اسطوره‌سنجی نزد ژیلبر دوران انتخاب شده است. ژیلبر دوران در مقاله‌ای آثار خاویر دو مستر[1] به ویژه *سفر پیرامون اتاقم*[2] و *زن جوان سیبریایی*[3] را مورد بررسی اسطوره‌سنجانه قرار داده است که در اینجا کوشش می‌شود به بررسی آن پرداخته شود. نوشتار حاضر ناگزیر است برای تجزیه و تحلیل این مقاله به ویژه برای فارسی‌زبانان توضیحات مختصری در مورد خاویر دو مستر این نویسنده‌ی ناشناخته یا کم شناخته شده‌ی فرانسوی قرن هیجدهم و مقیم روسیه ارائه نماید.

در واقع، ژیلبر دوران واژه و روش نقد اسطوره‌سنجی را برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲م. و در مقاله‌ای با عنوان «سفر و اتاق در اثر خاویر دو مستر»[4] مطرح می‌کند و در آن مقاله می‌کوشد تا این روش نو را در مورد مجموعه‌ای از نوشته‌های یک نویسنده‌ی تقریبا ناشناخته به کار گیرد. او همچنین مهم‌ترین مبحث درباره‌ی تقابل اسطوره‌سنجی خود با

---

[1] *خاویر دو مستر* نویسندهٔ فرانسوی در سال ۱۷۶۳م. در شامبری به دنیا آمد. وی دارای زندگی پر فرازونشیب خانوادگی و اجتماعی و همچنین شغلی بود. خاویر فرزند کوچک خانواده بود و روابط و محدودیتهای ویژه در خاطر و خیال او تاثیراتی را به جای گذارد که در آثارش نیز مشهود است. برادر او ژوزف دو مستر یک فیلسوف ضد انقلاب بود. خاویر دو مستر متعاقب ماجراهایی چند به ارتش روسیه پیوست و در جنگهای آن ارتش به خصوص در قفقاز شرکت جست که بخشی از آثارش به همین وقایع اشاره دارند. آثار او عبارت‌اند از : *سفر پیرامون اتاقم* (۱۹۷۰)، *اکتشاف شبانه پیرامون اتاقم* (۱۷۹۴)، *جذامی شهر آوست* (۱۸۱۱)، *زن جوان سیبریایی* (۱۸۲۵) و *زندانیان قفقاز* (۱۸۲۵). خاویر دو مستر همچنین نقاشی برجسته بود و تابلوهایش در آن زمان بسیار مورد توجه قرار می‌گرفت. یکی از نقاشیهای دیوار کلیسایی در شامبری نیز از اوست. خاویر دو مستر در سال ۱۸۵۲ در سن پترزبورگ درگذشت.

[2] Voyage autour de ma chamber.

[3] Les Prisonniers du Caucase.

[4] Le voyage et la chambre dans l'oeuvre de Xavier de Maistre.

Archive of SID

www.SID.ir

روان‌سنجی شارل مورون را نیز در مقاله‌ی یاد شده طرح می‌کند. به همین دلیل بی‌فایده نخواهد بود اگر کمی در مورد این مقاله تأمل نموده و توضیح دهیم.

ژیلبر دوران در مقاله‌ی «سفر و اتاق در اثر خاویر دو مستر»، به موضوع گذار از روان‌سنجی به اسطوره‌سنجی اشاره می‌کند. این مقاله در سال ۱۹۷۹م. در یکی از فصول کتاب *صور اسطوره‌ای و صورتهای اثر* با عنوان تازه‌ی «از روان‌سنجی تا اسطوره‌سنجی : سفر و اتاق در اثر خاویر دو مستر»[۵] ارائه شده است. در این مقاله چنان که توضیح آن خواهد آمد، ژیلبر دوران از سه روش برای مطالعه‌ی آثار خاویر دو مستر استفاده می‌کند: نخست نمادشناسانه، دوم روان‌سنجی و سوم اسطوره‌سنجی. خوشبختانه، این مقاله به عنوان یکی از نخستین نظرها و کاربردهای اسطوره‌سنجی مورد بررسی برخی از محققان برجسته همچون پیر برونل قرار گرفته است، به گونه‌ای که تحلیل این محققان به دریافت اسطوره‌سنجی دورانی کمک می‌کند.

در این مورد که چرا ژیلبر دوران در میان نویسندگان بزرگ و سرشناس به مطالعه‌ی یک نویسنده‌ی ناشناخته و تبعیدی و در عین حال مخالف انقلاب فرانسه می‌پردازد، شاید چند نکته‌ی جالب توجه وجود داشته باشد : نخست این‌که خاویر دو مستر و خانواده‌اش از اهالی شامبری[۶] هستند و از این حیث همشهری ژیلبر دوران قلمداد می‌شوند و همگان از تعلقات شدید دوران به این منطقه آگاهی دارند. دیگر اینکه خاویر دو مستر نویسنده و نقاشی ویژه قلمداد می‌شود، چنان‌که علی رغم محدودیت آثارش، اصالت خاصی در آنها دیده می‌شود. سوم اینکه زندگی و آثار این نویسنده همچون یک روح تبعیدی به هم گره خورده و یادآور برخی اسطوره‌هاست.

ژیلبر دوران مقاله‌ی خود را با معرفی مؤلف (خاویر دو مستر) آغاز می‌کند و در عین معرفی می‌کوشد تا حد امکان به تحقیقاتی که پیش‌تر محققان در خصوص این مؤلف انجام داده‌اند، ارجاع دهد و در این میان به تحقیقات آناتول فرانس،[۷] هانری پلانش[۸] و لئون سلیه[۹] اشاره می‌کند. او سپس به معرفی آثار دو مستر پرداخته و آن را با *سفر پیرامون اتاقم* آغاز

---

5 De la psychocritique à la mythocritique : Le voyage et la chambre dans l'oeuvre de Xavier de Maistre.
6 Chambery.
7 Anatole France.
8 Henry Planche.
9 Léon Cellier.

Archive of SID

www.SID.ir

کرده و با دیگر آثارش همچون *اکتشاف شبانه پیرامون اتاقم* ادامه می‌دهد. پس از آن به سه کتابچه‌ی دیگر او در تبعیدگاهش، سن-پترزبورگ [10] یعنی *جنامی شهر آوست* [11]، *زن جوان سیبریایی* و *زندانیان قفقاز* [12] اشاره می‌کند. دوران پس از معرفی اجمالی دو مستر و آثار او بررسی و نقد کتاب مورد نظر خویش یعنی *سفر پیرامون اتاقم* را در ارتباط با دیگر آثارش آغاز می‌کند. در نقد دوران آثار دیگر دو مستر نیز از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و به ویژه در بخش پایانی که با اسطوره‌سنجی ارتباط بیشتری پیدا می‌کند، توجه خاصی به کتاب *زن جوان سیبریایی* شده است. در اینجا مناسب است پیش از معرفی عناصر و روش مطالعه اسطوره‌سنجانه‌ی ژیلبر دوران به طور بسیار مختصر داستان این دو کتاب معرفی شود.

معرفی پیکره مطالعاتی

پیکره‌ی مطالعاتی این نوشتار همانا اسطوره‌سنجی نزد دوران با توجه به مقاله‌ی اصلی و اولیه اوست که پیش‌تر از آن یاد شد. اما این مقاله به نوبه‌ی خود پیکره‌ی مطالعاتی ویژه‌ای دارد که آثار خاویر دو مستر است، چنان که بدون شناختی مختصر از آنها نمی‌توان به درک و دریافت دقیق مقاله‌ی ژیلبر دوران و روش او نائل آمد. بنابراین لازم است کتابهای *سفر پیرامون اتاقم* و *زن جوان سیبریایی* که بیش از دیگر آثار مورد توجه مقاله‌ی اسطوره‌سنجی بوده است، به اجمال معرفی شوند.[13]

سفر پیرامون اتاقم

این اثر نسبتاً کوتاه (در حدود نود صفحه) به تأملات چهل و دو روزه‌ی مؤلف در اتاقی که از نظر فضا آن را با جزئیات توصیف می‌کند، اختصاص یافته است. به طور مثال در فصل چهارم در مورد اتاق می‌نویسد : «اتاق من زیر چهل و پنجمین درجه‌ی ارتفاع قرار گرفته و با احتسابات پدر بکاریا جهتش از طلوع به غروب [گسترش یافته است]»

---

[10] Saint-Pétersbourg.

[11] Le Lépreux de la Cité d'Aoste (1810).

[12] La Jeune Sibérienne.

[13] برای چنین معرفی‌ای بایستی کتابهای دو مستر خوانده می‌شد و این برای کتابهای نه چندان معروف از اواخر قرن هیجده و اوائل قرن نوزدهم آن هم در ایران بسیار دشوار می‌نمود. به ویژه اینکه هیچ نوع خلاصه یا نقدی در این خصوص در دسترس نبود. خوشبختانه این مهم به کمک برخی دوستان و با استفاده از امکانات اینترنتی میسر گردید.

Archive of SID

www.SID.ir

(Xavier de Maistre,1861, 12). او سپس ابعاد گوناگون اتاق را معرفی می‌کند و در فصل پنجم وضعیت وسایل آن را توضیح می‌دهد: «پس از صندلی راحتی‌ام با گام برداشتن به سوی شمال، تختم دیده می‌شود که در انتهای اتاقم جای گرفته و زیباترین چشم‌انداز را شکل داده است. این تخت به دلپذیرترین شیوه قرار گرفته است: نخستین روشنایی‌های خورشید در پرده‌هایم بازی می‌کنند...»(Ibid, 14). دو مستر توضیح می‌دهد که چگونه این بازی نور و تاریکی و سایه و روشنها وضعیت ویژه‌ای را خلق می‌کردند که در آن هزاران خیال به سوی او سرازیر می‌شدند. هنگامی که بارقه‌های نور از میان پرده‌ها گذشته و بر دیوارها به ویژه تخت روشنی و گرما می‌بخشید، با خود تخیل را فعال می‌نمود.

دو مستر مسیرهای گوناگون سفر خود در اتاق را هم ترسیم می‌کند. گرچه این سفرها و رفت و آمدها نظم خاصی ندارند، اما انواع مسیرهای ممکن به او اجازه می‌دهند تا سفری متنوع و بی‌پایان را در گرداگرد این اتاق داشته باشد. مؤلف در این خودسرنوشت‌نامه و در اتاق خویش به تأملات گوناگونی می‌پردازد. این تأملات که سفرهای روحی و ذهنی او را شکل می‌دهند، گاهی با یک اتفاق کوچک، یک تغییر ناچیز و یک موضوع جزئی پیش آمده و او را به عمیق‌ترین مسائل انسانی سوق می‌دهند. در چنین وضعیتی است که حتی یک قدم در اتاق می‌تواند یک کنش کهکشانی محسوب شود یا اینکه فضای اتاق ابعاد کیهانی به خود بگیرد. یک پرسش یا بهتر بگوییم یک خودپرسش عادی می‌تواند عمیق‌ترین مباحث فلسفی و هستی‌شناختی را برانگیزد.

دو مستر در این وضعیت رابطه‌ی تازه‌ای را با خاطرات خود، فضای اتاق، اشیاء پیرامون خود و نیز با خدمتکار یا سگش تجربه می‌کند و این تجربه را هم به مخاطب خویش منتقل می‌کند. به طور مثال هنگامی که یک دست بر روی پرتره‌ای که خود کشیده گذاشته و با دست دیگر به پاک کردن آن مشغول است، حس ویژه‌ای نسبت به تابلوی نقاشی را تجربه می‌کند و احساس گرما سراسر وجودش را فرامی‌گیرد. نگاه پرتره معمای نافذی می‌شود که او را به تأملات عمیقی وامی‌دارد، او را به سوی صندلی راحتی می‌کشاند و تا مدتها تخیل و تأملات او را مشغول می‌کند.

در چنین احساس و وضعیتی است که دیوارها فرو می‌ریزند و فضا به ابعاد تمام خاطرات گسترده می‌شود یا اینکه نگاه یک پرتره تا عمیق‌ترین لایه‌های وجودی او نفوذ

Archive of SID

www.SID.ir

می‌کنند. رابطه‌ی اتاق محدود و سفر نامحدود در منطق دیگری که در آن معنای تضاد متفاوت است با یکدیگر پیوند می‌خورند.

زن جوان سیبریایی

این رمان یک رمان ماجراجویانه و خانوادگی محسوب می‌شود و به سرگذشت زن جوانی اختصاص یافته است که برای طلب بخشش پدرش رنج سفری طولانی را بر خود هموار می‌کند. دو مستر این اثر را چنین آغاز می‌کند : «شجاعت یک دختر جوان که در اواخر سلطنت پل اول[14] پیاده از سیبری به سن-پترزبورگ آمد تا برای پدرش طلب بخشش نماید. او در زمان خودش به اندازه‌ی کافی سر و صدا راه انداخته بود که یک نویسنده‌ی سرشناس از این مسافر جالب توجه یک قهرمان رمان بسازد» (1989,1). نام این دختر پراسکوی لوپوتوف[15] است که پدرش از افسران ارتش روسیه بود و لیاقتهای خود را در جنگ با ترکها نشان داده بود. اما به دلیلی نامعلوم ، احتمالاً با یک توطئه محکوم به تبعید در سیبری شده بود. پراسکوی کودک بود که به سیبری آمدند و او با کمک و خدمتکاری به دیگران و دستمزدی که می‌گرفت، زندگی خود و والدینش را می‌گذراند. پدرش که یک ارتشی فعال و ماجراجو بود، هیچگاه به زندگی آرام خود در تبعید قانع نبود و همواره تلاش می‌کرد با نامه یا سفارش راهی برای خروج از این وضعیت بیابد، اما هیچ امیدی نبود و پراسکوی رفته رفته متوجه این اندوه می‌شد. او در پانزده سالگی برای نخستین بار با دیدن وضعیت اسفناک روحی و روانی پدر و مادرش تصمیم گرفت به سن-پترزبورگ رفته ، برای پدر خویش طلب بخشش نماید. «او همواره متقاعد شده بود که این (فکر) یک الهام الهی بود و این باور شدید او را در ادامه و در میان نامطمئن‌ترین شرایط حمایت می‌کرد» (Ibid,4). کم کم چگونگی رفتن به سن-پترزبورگ و طلب بخشش از امپراتور برای پدر در ذهن او پرورش می‌یافت. اما طرح آن و برخورد تحقیرآمیز پدر و ناامید کننده‌ی مادرش و سپس مریضی طولانی مدت مادر موجب شد تا پراسکوی سه سال این طرح را از مباحث خانوادگی کنار بگذارد. با این حال همواره در تنهایی و به ویژه هنگام نیایشهای خویش به این موضوع فکر می‌کرد و از خدا می‌خواست تا

---

[14] Paul I.
[15] Prascovie Lopouloff.

Archive of SID

www.SID.ir

اسباب چنین سفری را فراهم نماید. او در هر فرصتی که می‌یافت به گوشه‌ای از بیشه که نیایشگاه او شده بود، می‌رفت و از خدا می‌خواست تا او را در این راه یاری نماید. سرانجام زن جوان با زحمات بسیار توانست مجوز خروج از سیبری را از فرماندار منطقه دریافت نماید. با این حال مادر و پدرش مخالف چنین سفر پرمخاطره‌ای بودند. در این خانواده همانند بسیاری از خانواده‌های روسی رسم بود تا انجیل را به طور تصادفی باز می‌کردند و از جمله‌ی نخست آن در مورد زندگی خویش راهنمایی و تفأل می‌گرفتند. در یکی از شبها هنگامی که مادرش خواندن انجیل را تمام کرده بود، پراسکوی بی اختیار در مقابل پدر از مادرش می‌خواهد که صفحه‌ای را بگشاید و سطر یازدهم آن را بخواند. مادر نیز در عین ناباوری آن کار را انجام داد و این جملات را از انجیل خواند : «و، یک فرشته‌ی الهی هاجر را از آسمان ندا کرد و به او گفت : در اینجا چه می‌کنید شما؟ هیچ مهراسید»(Ibid,13).

این قسمت از ماجرا برای دوران و هرمنتقد اسطوره‌ای بسیار مهم و تعیین کننده است. یک تبعیدی و مهاجرتی که باید صورت پذیرد و همانندی و بلکه ارجاع مستقیم آن به یک اسطوره یا الگو و اسوه‌ی انجیلی افقهای گسترده‌ای را پیش روی منتقد اسطوره‌ای می‌گشاید. این ارجاع به هاجر در چندین نوبت دیگر در این رمان تکرار می‌شود.

به هر روی، با موافقت پدر و مادر، پراسکوی سفر و ماجراهای خود را آغاز نمود و حوادث سخت و دشوار بسیاری را تحمل کرد. ایمان مهم‌ترین سرمایه‌ی روحی و معنوی او برای تحمل مشکلات و مصائب سفر و گذر از سختی‌های بسیار محسوب می‌شد. در واقع، این سفر علی رغم مشکلات فراوان موجب رشد شخصیت او شد و بسیاری چیزها همچون خواندن و نوشتن، چگونگی تعامل با دیگران و گذر از مصائب را آموخت. به همین دلیل این اثر گرچه یک رمان ماجراجویانه است، ولی در عین حال یک رمان تشرفی[16] نیز به حساب می‌آید.

نقد اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران از آثار

ژیلبر دوران پس از توضیحات اولیه درباره‌ی دو مستر و آثارش چنین ادامه می‌دهد :

[16] Initiatique.

Archive of SID

www.SID.ir

محتوای این آثار دلالتهای عناوین را انکار نمی‌کند. افسوس، به اختصاری که شکل یک فصل کوتاه تحمیل می‌کند، من به طور پیوسته از سه گستره‌ی خیالی این عناوین گذر خواهم کرد: جایی که صور خیالی اتاق و همچنین سفر با یکدیگر تلاقی پیدا می‌کنند، رؤیاپردازیهای ایستا و حزن‌انگیز و کما بیش شبانه، تخت، صندلی راحتی، لباس خواب و رؤیاپردازیهای تبعیدهای دوردست، تبعیدهای طولانی که پیرامون اودیسه هر سفری سنگینی می‌کند (Durand,1992, P. 172.)

در اینجا مؤلف پس از بیان محدودیتهای یک فصل از کتاب و اجباری که در گزیده گویی دارد، رابطه‌ی عنوان و محتوای اثر را تأیید و بر آن تأکید می‌ورزد. او همچنین به عناصر ایستایی و پویایی، حزن و نشاط اشاره دارد که مبانی مباحث بعدی او می‌شوند.

پس از آن، ژیلبر دوران به معرفی سه گانه‌ی خویش یعنی روشهای سه‌گانه‌ای که مورد استفاده قرار خواهد داد، پرداخته ، نوشته است:

در بخش نخست، به توصیف تقریباً سبک‌شناسانه و تفصیلی این بخشهای نمادین در فرایند صور هر اثر بسنده می‌شود. در بخش دوم، و با دنبال کردن روش شارل مورون، من بازتابهای روان‌سنجی این نمادها را در زندگی‌نامه – و به ویژه برای اینکه «تقلبی» نبوده باشند- ، خودسرنوشت‌نامه و نامه‌های مؤلف ساماندهی می‌نمایم. سرانجام در بخش سوم، من نشان خواهم داد که روان‌سنجی گستره‌ی بالایی را می‌طلبد که متن اثر را به عنوان جهان شکل دهنده‌ی ارزشهای نورانی بازیابی می‌کند و آن، با بنا نهادن یک اسطوره سنجی، امکان انجام اسطوره شناسی‌های بزرگ را فراهم می‌کند(Ibid,162) .

پس از این مقدمه و معرفی ساختار و مراحل مطالعه است که دوران به ترتیب به فرایند یاد شده می‌پردازد.

نقد نمادین

در این تحقیق چنان‌که گفته شد، ژیلبر دوران نخست به یک مطالعه‌ی نمادین می‌پردازد و مهم‌ترین عناصر نمادین را که عناصری متناقض‌نما نیز هستند، یعنی اتاق و سفر مورد بررسی قرار می‌دهد. او در این مورد می‌نویسد : «نمادگرایی که به نظر می‌رسد به شکل تشویش‌گرانه‌ای عناوین و سپس مضامین عمومی اثر خاویر را زمینه‌سازی کرده است، در نگاه نخست دو مجموعه‌ی متضاد پیرامون *اتاق* و («شبانه»، «گیرایی تقلیل یافته» در جذامی ؛

Archive of SID

www.SID.ir

زنـدانیان قفقـاز ؛ تبعیـد در ایـسبا[17] سـیبریایی، سـپس دیـر کیـو، نیجـی و نـوگرود) و سـفر (– «اکتشاف» ، تبعید در تمام روسیه، فرار مـوقتی زنـدانیها – گـردش در زنـدان جـذامی) گـردهم آمده‌اند.»(Ibid,163) این دو دسته از نمادها می‌توانند در نظام شبانه‌ی خیال که پیش‌تر دوران آنهـا را طرح کرده بود و به طور دقیق‌تر در مقوله‌های عرفانی[18] و ترکیبی[19] جای گیرند. (Ibid, 174)

در این مرحله که بـی‌تـأثیر از نظریـات گاسـتون باشـلار نیـست، دوران اتـاق را نمـاد استراحت، ایستایی و آرامش و برعکس سفر را نماد پویایی و حرکـت تلقـی مـی‌نمایـد. بـدین ترتیب، سکون در مقابل حرکت و ایستایی در مقابل پویایی قرار می‌گیرند. ژیلبر دوران بر این باور است که این دو گونه از نمادهای متضاد در تمامی آثار خاویر دو مستر حضور دارند و برای چنین ادعایی مصداقهایی همچون زندان از یک سو و اکتـشاف از سـوی دیگـر را ارائـه می‌نماید. همچنین سفر نماد هجرت و تبعید است و اتاق نماد نقطه‌ی عزیمت یا مقصد. در ایـن رابطه نماد دوگانه‌ی درون و برون نیز مطرح است. چنین نگاه نمادینی بیشتر بر پایه‌ی کتـاب *سفر پیرامون اتاقم* (۱۷۹۴) استوار شده است. این حکایت خودسرگذشت‌نامه‌ای بـه بازداشـت افسری می‌پردازد که مجبور است برای چهل و دو روز در اتاقش به سـر ببـرد. بـا ایـن حـال چنان‌که ژیلبر دوران نیز اذعان دارد، این دو دسته از نمادها به یکدیگر پیوسته‌اند و به عبارت دیگر، جدایی ناپذیرند، زیرا هر دو دارای خاستگاه واحدی می‌باشند که می‌کوشد تا خود را به دو شکل ممکن متجلی گرداند.

برای دوران انتخاب موقعیتهای داستانی دارای دلالتگری خاص خود است و مـی‌توانـد برخاسته از همین نوع نمادگرایی باشد. او پس از بررسی دو نماد اصلی در **زندانیان قفقاز** به **زن جوان سیبریایی** توجه می‌نماید و می‌نویسد : «بازی دو مضمون در *زن جوان سیبریایی*، جالب‌تر به نظر می‌رسد، زیرا به طور عینی‌تری جهت‌مند و به صورت تعیین‌کننده‌تری انتخـاب شده است. مرحله‌ی تبعید شدن و انتقال پـدر زن جـوان توصـیف نـشده اسـت. فقـط اقامـت طولانی در تبعید برای ما ترسیم شده ...»(Ibid,166) . دو مستر بـا توصـیف وضـعیت نـاگوار خانوادگی، اقامت در سیبری که به طور پیوسته به کویر تشبیه می‌شود و با تنهـایی و فقـر و محدودیت می‌کوشد تا به زمینه‌ها و ضرورتهای خروج از این وضـعیت و هجـرت پراسـکوی

---

[17] خانه‌های چوبی در روسیه (Isba).

[18] Mystique.

[19] synthétique.

Archive of SID

www.SID.ir

بپردازد. دختر جوان بایستی میان ماندن و رفتن، میان ایسشیم[۲۰] و سن-پترزبورگ، بین ایستایی و پویایی، پذیرش یا اعتراض تصمیم می‌گرفت. ژیلبر دوران توضیح می‌دهد که چگونه پراسکوی پیش از عزیمت خود در لایه‌ها یا جعبه‌های تو در توی تنهایی زندگی می‌کرد. از تنهایی در خانه تا تنهایی در بیشه‌ای که برای او مکانی مناسب برای نیایش به درگاه الهی بود و هر یک مکانی ایستا تلقی می‌گردیدند که در خود یک سفر و یک عزیمت بزرگ را پرورش می‌دادند. در چنین فضاهای ایستایی بود که جنین سفر بسته شده و رشد می‌یافت.

موضوع رفتن و نرفتن نیز چنان‌که ژیلبر دوران به آن اشاره می‌کند، در آخرین صحنه و پیش از حرکت زن جوان به شکلی ویژه در این اثر به تصویر کشیده شده است. خاویر دو مستر تعریف می‌کند که بر اساس یک سنت منطقه‌ای پدر و مادر و میهمانان معدود همگی روی زمین می‌نشینند و بدون اینکه در مورد سفر سخنی بگویند، چای می‌نوشند. گویا می‌خواهند رفتن و سفر را برای لحظه‌ای فراموش کنند، «گویا می‌خواهند سرنوشت را گول بزنند» (Ibid).

همچنین نزد ژیلبر دوران، اتاق یکی از مصداقهای نمادین و شاخص خود را هنگامی درمی‌یابد که زن جوان پس از روزهایی سخت در میان جاده‌های سرد به خانه‌ای پناه می‌برد که در آن پیر زن و پیر مردی به قصد اینکه شاید این زن جوان سرگردان یک دزد باشد، هنگام شب قصد مال و جان او را می‌کنند. زن جوان که خود را به خواب زده بود، یکی از وحشتناک‌ترین لحظات سفر خود را تجربه می‌کند. با این حال صبح اهالی خانه که متوجه حقیقت شده بودند، پس انداز اندک خود را بدون اینکه زن جوان بداند در کیسه‌ی محقر پول او گذارده بودند.

سفر در اتاق که جمع میان این دو نماد متضاد است، به شکلهای گوناگون خود را می‌نمایاند. چنان‌که در فصل بیست و هفتم سفر در اتاقم به خوبی مشهود است. نویسنده پس از توضیحاتی که درباره برخی استامپها و تابلوها ارائه می‌دهد، به تأمل در مورد آثار رافائل[۲۱] و کورژ[۲۲] دو تن از معلمان مکتب ایتالیا می‌پردازد. در توصیف همراه با شیفتگی این تابلوهاست که او از اصطلاح «مسافر ساکن» (Xavier de Maistre,1861,50) سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، دو مضمون متضاد نه فقط در صورت نمادین بلکه در صورت زبانی نیز به هم

---

[20] Ischim.
[21] Rephaël.
[22] Corrége.

Archive of SID

www.SID.ir

پیوند می‌خورند و در هم تنیده می‌شوند. در واقع، اتاقی که بسته بود یا بسته به نظر می‌آمد، پس از مدتی یکباره دریچه‌هایی به سوی جهان‌های بی‌منتها پیدا می‌کند. یک تابلوی نقاشی او را از مرزهای مکانی و حتی زمانی رهایی بخشیده و سفری گسترده را موجب می‌شود. در واقع، سفر حقیقی همین سفر ذهنی و خیالی است؛ سفری ساکن، نشسته و درونی که جهانش به مراتب گسترده‌تر و عمیق‌تر است.

شکل دیگر تعامل اتاق و سفر را می‌توان در اتاقهای سفری مشاهده کرد. گرچه ژیلبر دوران بر این موضوع تأکید زیادی نمی‌کند، اما موضوع اتاقهای سفری یا سفرهای اتاقی می‌توانست بسیار معنادار باشد. سفر با گاری و اتاقک گاری، سفر با کشتی روی رود ولگا و قرار گرفتن در مکانهای آنها گونه‌هایی از درهم آمیختگی اتاق و سفر تلقی می‌شود.

موضوع دیگری که نظر ژیلبر دوران را در این قسمت جلب کرده است همانا سفر عمودی و عروجی است که در مقابل دیگر سفرها یعنی سفرهای جغرافیایی قرار می‌گیرد. این سفر عروجی که یک سفر درونی است، لازمه و کامل کننده‌ی سفرهای جغرافیایی محسوب می‌شود. سفر عروجی و درونی هنگامی بیشتر خود را جلوه گر می‌سازد که سفر جغرافیایی ممکن نباشد یا در مقابل یک بن بست مکانی قرار گرفته باشد. چنانکه دوران می‌گوید: «هر گرفتگی، و هر باغ بسته‌ای رهایی درونی و سفر عمودی را موجب می‌شود، هر سفری و هر تبعیدی به سوی جفت خویش یعنی تمرکز درونی رهنمون می‌شود» (Durand,1992, 177).

در همین جا سخن از آیینه و نماد دوگانگی به میان می‌آید و دوباره بر دوگانگی تأکید می‌کند. این نماد دوگانگی در عین حال نیز می‌تواند به نماد یگانگی حقیقی تبدیل شود و بدین صورت است که داخل و خارج، درون و برون، حقیقی و مجازی با یکدیگر پیوندی عمیق می‌یابند و به نوعی قابل جمع و اجتماع می‌شوند. در واقع، رابطه‌ی ایستایی و پویایی، ماندن و رفتن، اسارت و رهایی و به طور کلی اتاق و سفر نزد دو مستر بسیار پیچیده‌تر از یک مجموعه از تقابلها خود را نشان می‌دهد. با همین اندیشه است که دوران در خصوص **زندانیان قفقاز** در مورد اسارت و به زنجیر کشیده شدن فرمانده کاسکمبو[۲۳] می‌نویسد : «با حفظ این زنجیرهاست که او باید از اسارت به رهایی بگریزد...» (Ibid,164). گویا این دو لازم

[23] Kascambo.

Archive of SID

www.SID.ir

و ملزوم هم بوده و زنجیرها شرط رهایی می‌شوند. دوران با بررسی همین دوگانه‌ها و به ویژه دوگانه‌ی اثر و مؤلف به نقد روان‌سنجانه یعنی مرحله‌ی دوم نقد سوق پیدا می‌کند.

نقد روان‌سنجانه

پس از مرحله‌ی نخست یعنی نمادین، ژیلبر دوران به مرحله‌ی دوم نقد خود یعنی روان‌سنجی آثار خاویر دو مستر می‌پردازد. او در این خصوص به بررسی دوپهلویه‌ی این روش دست می‌زند، زیرا در عین حالی که آن را به عنوان یک مرحله‌ی مهم و قابل توجه مورد توجه قرار داده است، به نقد این روش نیز می‌پردازد. در واقع، این دو قصد چنان در هم تنیده شده‌اند که نمی‌توان قصد اصلی مؤلف در این باره را به درستی شناسایی کرد. در هر صورت روان‌سنجی مرحله‌ای است که ژیلبر دوران برای رسیدن به اسطوره‌سنجی دست کم در این نوشتار بدان نیاز دارد.

نخستین موضوعی که ژیلبر دوران در اینجا مورد توجه قرار می‌دهد، جایگاه خانوادگی خاویر دو مستر به عنوان فرزند یا پسر کوچک و در پی آن تأثیری است که چنین جایگاهی بر تخیل و خیال مولف گذارده است. به ویژه اینکه برادر بزرگ او فردی شناخته شده و همچون پدرش حقوق خوانده بود و در امور سیاسی نیز برجسته بود. برونل در این مورد می‌نویسد: «می‌توان از اینجا یک روان‌سنجی را مورد نظر قرار داد. ژیلبر دوران، نیمی با طنز و نیمی با جدیت چندین مورد را مطرح می‌کند : عقده‌ی فرزند کوچک، متأثر از اقامت نزد کشیشی از اهالی سوا[۲۴] که موجب رهاسازی تصاویر عروج می‌شود، سرخوردگی حاصل از انقلاب فرانسه، تخریب نخستین اتاق، یعنی سفر، برقراری اتاق تازه، اتاقی بهتر یعنی اکتشاف شبانه» (Brunel,1992,49). ژیلبر دوران بر فرزند کوچک بودن و شرایطی که خاویر دو مستر از آن برخوردار بود، تاکید می‌ورزد.

مورد دیگری که در شخصیت و اثر خاویر دو مستر تأثیر بسیار گذارد، علاقه‌مندی او به سفر هوایی با بالن بود. خاویر دو مستر در جوانی در طراحی یک بالن شرکت نمود و در سفر و اکتشاف هوایی آن نیز حضور داشت. این سفر عمودی و عروجی بعدها در خیالپردازی شاعرانه‌ی مولف موثر بود. این سفر با بالن ویژگیهای دیگری نیز داشت، چنان

[24] Savoyard.

Archive of SID

www.SID.ir

که ژیلبر دوران نیز به آنها اشاره دارد. سفر با بالن به دلایلی متمایز از سفرهای هوایی همچون هواپیما یا موشک است. سفر با بالن آرام و همراه با طبیعت و به ویژه هواست. عروج آرام بالن و همگامی آن با طبیعت هوایی حس خاص و لذت ویژه‌ای دارد. فرود موفقیت آمیز این بالنها همواره با جشن، شادی و رقص توأم بوده است و این عروج و فرود و هراس و شادی و روح و بدن ترکیب خاصی را موجب می‌شدند که در تخیل شاعرانه‌ی خاویر دو مستر تأثیری همیشگی به جای گذارد. دوران از آن به عنوان عقده‌ی بالن یاد می‌کند و آن را با عقده‌ی عروج تدریجی پیوند می‌زند و می‌گوید : «عقده‌ی بالن با عقده‌ی عروج ملایم و تدریجی یکی هستند. در هر دو مورد موضوع سفر در جا و همان‌طوری که مؤلف می‌گوید، «سفر ساکن» است نه یک گسست حماسه‌وار دفعی.» (Durand,1992, p.179). بنابر این، عقده‌ی بالن هم دارای بالا روندگی و عروج است و هم اینکه این عروج تدریجی و ملایم خواهد بود.

سپس ژیلبر دوران به مورد دیگری از زندگینامه‌ی خاویر دو مستر اشاره می کند که همانا مسائل سیاسی – اجتماعی دوران جوانی او در مورد انقلاب فرانسه و مخالفتهای خانواده‌ی اوست. ژیلبر دوران اذعان می‌دارد که این موضوع به سالهای پس از کودکی بازمی‌شود و خلاف عقیده‌ی برخی از روانشناسان است که بر سنین اولیه بیش از هر چیزی تاکید می‌ورزند. در اینجا مؤلف به عقده‌ی دیگری به نام عقده‌ی پیه‌رو[۲۵] اشاره می‌کند. ژیلبر دوران در این خصوص بحث نسبتاً مفصلی ارائه می کند و سپس می‌نویسد : «عقده‌ی پیه‌رو همچنان به اسطوره‌سنجی تعلق دارد، زیرا این عقده به وسیله‌ی تأثیرات روانشناسانه‌ی حاصل از گسست بزرگ اجتماعی انقلاب شکل گرفته است» (Ibid,182). همین عقده است که موجب خروج خاویر گردید و با مضمون هجرت مرتبط می‌شود.

اصول و اساس روش روان‌سنجانه همانطوری که در بالا بدان اشاره شد، بر پایه‌ی همانندی میان زندگی مؤلف و اثر او به ویژه شخصیتهای آثارش بنا شده است. بر همین اساس محقق روان‌سنجانه به توازن میان زندگی مؤلف به ویژه زندگی کودکی او و ارتباط آن با شخصیتهای داستانی می‌پردازد. چنان که ملاحظه می‌شود، عقده‌های کوچک بودن، عروج ، بالن و پیه‌رو از عناصر مهم شخصیتی خاویر دو مستر محسوب می‌شوند که در یک

[25] Le Complexe de Pierrot.

Archive of SID

www.SID.ir

رویکرد روان‌سنجانه قابلیت احصاء و بررسی می‌یابند. این عقده‌ها به ویژه عقده‌ی پیه‌رو شرایط و مقدمات نقد اسطوره‌سنجانه را نزد ژیلبر دوران فراهم می‌سازد.

نقد اسطوره‌سنجانه

دوران در گذار از مرحله‌ی دوم به سوم به علت گذار از روان‌سنجی به اسطوره‌سنجی می‌پردازد و مطالبی را ارائه می‌دهد که برای نوشتار حاضر مهم هستند، اما چون در جایی دیگر در این باره سخن گفته شده است، از تکرار آنها اجتناب می‌شود و فقط به خود نقد آثار بسنده می‌شود. در این مرحله‌ی پایانی است که ژیلبر دوران آثار خاویر دو مستر را با اسطوره سنجی مورد مطالعه و مداقه قرار می‌دهد. در واقع، مهم‌ترین و اصیل‌ترین قسمت نقد ژیلبر دوران در اینجا صورت می‌گیرد و به همین دلیل ما نیز توجه بیشتر و دقیق‌تری به آن خواهیم داشت.

یادآوری می‌شود ژیلبر دوران در پی ارائه‌ی اسطوره‌سنجی نزد خاویر دو مستر است که به اسطوره‌ی هاجر می‌رسد. علاوه بر همانندی زندگی شخصی یک مؤلف تبعیدی با زنی برده از مصر که مجبور به هجرت در کویر شبه جزیره شد، همانندی شخصیتهای دو مستری به خصوص زن جوان سیبریایی با هاجر نیز قابل ملاحظه و مشاهده است. این همانندی زن جوان سیبریایی و هاجر مصری نظر ژیلبر دوران را به شدت به خود جلب می‌نماید. جایگاه هاجر و تفاوت آن در میان یهودیان و مسیحیان نیز مورد توجه قرار گرفت. در پایان این فصل ژیلبر دوران چنین نتیجه‌گیری می‌کند : «همچنین، از تصاویر تشویش‌برانگیز تا عقده‌های زندگینامه‌ای، از عقده تا اسطوره، اثر خاویر دو مستر ما را به اتاق، تنهایی سفر، از روان مرتبط با حیوان تا اسطوره‌ی دو پهلوی هاجر زن دوم، اسماعیلی سارا را هدایت می‌کند. همه‌ی اینها با گذر از عقده‌های عروجی است که تجربه‌ی هوایی یک مقطع از زندگی نویسنده‌ی ما را متأثر ساخته است»(190) .

گرچه ژیلبر دوران بر این باور است که این اسطوره همواره نزد خاویر دو مستر وجود داشته است، اما مهم‌ترین اثری که در آن می‌توان از اسطوره‌ی هاجر یاد کرد، همانا اثر *زن جوان سیبریایی*[۲۶] (۱۸۲۵) است. در این رمان، خاویر دو مستر به سرگذشت زن جوانی

[26] La Jeune Sibérienne.

Archive of SID

www.SID.ir

سیبریایی اشاره می‌کند که برای درخواست رهایی پدرش تصمیم می‌گیرد پیاده نزد تزار برود. او با وجود مخالفت تمامی اعضای خانواده، از مادر می‌خواهد تا کتاب مقدس را گشوده و استخاره نماید و چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، صفحه‌ای که گشوده می‌شود، یکی از قصه‌های عهد قدیم یعنی حکایت هاجر را بازگو می‌کند. خاویر دو مستر چنین نقل می‌کند: «مادرش کتاب را با شوق و علاقه به دست گرفت و با یک سنجاق آن را گشود و سپس تا ده خط را از طرف راست شمارش کرد و با صدای بلند این مطالب را خواند : «یک فرشته‌ی الهی هاجر را از آسمان صدا کرد و به او گفت : در اینجا چه می‌کنی؟ هیچ ترسی به خود راه مده.» تفسیر این آیات از نوشتار مقدس بسیار ساده بود تا همانندی تعجب‌آوری را با سفر اعلام شده موجب شود که کسی نمی‌توانست منکر شود» (Brunel,1971,51). حضور مستقیم هاجر انجیلی در روایت دو مستر ارتباط این اسطوره و بازتولید آن در اثر را مورد تأکید دوباره قرار می‌دهد. بر اساس همین تفسیر است که زن جوان مصمم می‌شود تا حتماً سفری را که اعلام کرده بود، با وجود مخالفت همه‌ی اعضای خانواده آغاز نماید و همین ارتباط نیز ژیلبر دوران را به سوی اسطوره‌ی هاجر سوق داد. این اسطوره محور اصلی اسطوره‌سنجی او در مطالعه‌ی آثار خاویر دو مستر گردید. ژیلبر دوران در این مطالعه به طور پیوسته به انجیل و هاجر در کتاب مقدس ارجاع می‌دهد. در نظر او عقده‌ی کوچکی در مطالعه‌ی روان‌سنجی با اسطوره‌ی هاجر به عنوان زن کوچک‌تر مرتبط می‌شوند.

با چنین طرحی است که ژیلبر دوران خوانش آثار مستر و به طور کلی آثار ادبی و اسطوره‌ای را از عقده‌های شخصی روان‌سنجی رهایی بخشیده و به آن ابعاد عمیق‌تر و گسترده‌تری می‌دهد. «اسطوره‌ی هاجر» در مقابل «عقده‌ی کوچکی» قرار می‌گیرد، همانطوری که اسطوره‌سنجی در مقابل روان‌سنجی قرار گرفته است. به همین دلیل، مناسب است هر چند مختصر به تقابل و تعامل این دو گونه نقد ادبی و اسطوره‌ای با دو خاستگاه متفاوت پرداخته شود.

نتیجه

در اینجا ژیلبر دوران سه نقد گوناگون را برای مطالعه‌ی آثار خاویر دو مستر مورد استفاده قرار داد که عبارت بودند از : نقد نمادین، نقد روان‌سنجانه و نقد اسطوره‌سنجانه. نقد

Archive of SID

www.SID.ir

اسطوره‌سنجانه‌ی ژیلبر دوران نقدی بسته و محدود به اثر نیست، بلکه در آن از نقد روان‌سنجانه یعنی توجه به زندگینامه‌ی مؤلف نیز استفاده می‌شود. در این نقد آخری یعنی نقد اسطوره‌سنجانه است که اسطوره‌ی هاجر به عنوان یک اسطوره‌ی کانونی در آثار خاویر دو مستر مطرح می‌شود.

بهترین شکل تجلی و ظهور اسطوره‌ی هاجر را می‌توان در **زن جوان سیبریایی** مشاهده کرد. پراسکوی نیز همانند هاجر باید راه سفر در پی گیرد و هجرت نماید و به همین دلیل هاجر نامیده می‌شود. در پایان، اسطوره‌ی هاجر که از آثار خاویر دو مستر استخراج گردیده، و عقده‌ی فرزند کوچکی که از زندگینامه‌ی مولف بر گرفته شده است، ژیلبر دوران را بر آن می‌دارد که بگوید:

> از تصاویر تشویش برانگیز تا عقده‌های زندگینامه‌ای، از عقده تا اسطوره، اثر خاویر دو مستر ما را به اتاق، تنهایی سفر، از روان مرتبط با حیوان، تا اسطوره دوپهلوی هاجر زن دوم، تکرار اسماعیلی سارا، را هدایت می‌کند. همه‌ی اینها با گذر از عقده‌های عروجی است که تجربه‌ی هوایی یک مقطع از زندگی نویسنده‌ی ما را متاثر ساخته است (Durand,1992,190).

هاجر نیز با ساختن یک بنا و مکان مستقر شد و قرار گرفت.

نکته‌ی قابل توجه دیگر پیکره و موضوع تحقیقاتی است. به عبارت دیگر، این موضوع برای منتقد بسیار اهمیت دارد که دایره و قلمرو پیکره‌ی مطالعاتی ژیلبر دوران را مشخص نماید. در این خصوص چنان که مشاهده شد، موضوع مطالعه‌ی این تحقیق نه یک اثر خاص و ویژه، که کلیه‌ی آثار یک نویسنده همچون خاویر دو مستر بود. به عبارت دیگر، تمام تخیل و اندیشه‌ی یک مؤلف مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع که منتقد یک اثر را مورد بررسی قرار می‌دهد یا اینکه تمام آثار یک مؤلف مورد توجه است، برخاسته از نظریه‌ای است که نقد به آن تکیه کرده است.

گرچه نقد اسطوره‌سنجانه توسط ژیلبر دوران وضع و رایج شد، اما اسطوره‌سنجی دورانی یکی از شیوه‌های نقد اسطوره‌سنجی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، برخی از محققان و نظریه‌پردازان از اسطوره‌سنجی بهره برده، ولی شیوه‌های گوناگون یا نسبتاً گوناگونی را به کار گرفتند.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

Gilbert Durand. *Figures mythiques et visages de l'œuvre. De la mythocritique à la mythanalyse*. Dunod, 1992.

_____. *Les structures anthropologiques de l'imaginaire*. Dunod, 1992.

_____. *Introduction à la mythodologie. Mythes et sociétés*. Albin Michel, 1996.

_____. *Le Décor mythique de la chartreuse de Parme. Les structures figuratives du roman stendhalien*. Librairie Jose Corti,1961.

_____. *L'imaginaire. Essai sur les sciences et la philosophie de l'image*. Hatier, 1994.

Pierre Brunel. *Le mythe d'Electre*. Armand Colin, 1971.

_____. *Mythocritique. Théorie et parcours*. Puf. Ecriture., 1992.

_____. "Apollinaire. Entre deux mondes". *Mythocritique* II. Puf, 1997.

_____. *Le mythe de la métamorphose*. Corti. Les Massicotés, 2004.

_____. *La mythcritique eu carrefour européen*. Thélème : Revista Comlutense de Estudios Franceses, Revistas. UCM.es, 1995.

Danièle Chauvin, André Siganos et Philippe Walter. *Questions de mythocritique*. Imago, 2005.

Pierre Albouy. *Mythes et mythologies dans la littérature français*. Armand Colin, 1998.

Marie-Catherine Huet-Bricahard. *Littérature et mythe*. Hachette, 2001.

Philippe Sellier. *Le mythe du héros*. Bordas, 1970.

Gilbert Durand. *Les mythèmes de la décadence*.

Christophe Calier, Philippe Grandjean. *Les mythes antiques dans le théâtre français du XXe siècle*. Hatier, 1998.

Xavier de Maistre. *Voyage autour de ma chambre. Dubuisson et C. Lucien Marpon*. Paris, 1861.

Gérard de Nerval. *Les filles du feu*. Aurélia. Folio, 1972.

Etiemble. *Le mythe de Rimbaud. Tome premier, Genèse du mythe*. Gallimard, 1952.

Etiemble. *Le mythe de Rimbaud. Tome second. Structure du mythe*. Gallimard, 1952.

Xavier de Maistre. *La jeune sibérienne et Le lépreux de la cité d'Aoste*. Macmillan an co. London, 1889.

Archive of SID

www.SID.ir